



اساس سوسیالیسم  
انسان است.  
سوسیالیسم  
جنبش بازگرداندن  
اختیار به انسان  
است.  
**منصور حکمت**

# جوانان کمونیست ۱۱۵

نشریه سازمان جوانان کمونیست

www.jawanan.org

سردبیر: مصطفی صابر

۲۰ آبان ۱۳۸۲

۱۱ نوامبر ۲۰۰۳

سه شنبه ها منتشر میشود

## روز وحشت رژیم اسلامی

جوانان، دختران و پسران  
دانشجو، مردم ایران!

به شانزدهم آذر نزدیک میشویم. چندین نسل است ما این روز را بعنوان روز اعتراض به دیکتاتوری، خفقان و نابرابری برگزار میکنیم. چندین نسل است که در این روز اجتماع، تظاهرات و اعتصاب میکنیم. چندین نسل است که در این روز جوانان و دانشجویان خود را بعنوان معترضین به سیستم های حکومتی موجود در صحنه نگاه میدارند.

امسال هم باید این کار را کرد. امسال جوانان و دانشجویان، دختران و پسران به تنگ آمده از حکومت قرون وسطایی اسلامی باید بیش تر و وسیع تر از هر سال در این روز به میدان بیایند!

امسال باید اعتراض به حکومت ضد انسانی، ضد زن و ضد زندگی، اسلامی در ایران را از دانشگاهها و محیط های آموزشی به سراسر شهر و سرتاسر کشور کشاند.

### جوانان، دانشجویان!

مردم، زنان، کارگران و همه مثل شما منتظر هر فرصت و امکانی هستند که برای همیشه حکومت فقر و خفقان اسلامی را به زیر بکشند. شانزدهم آذر امسال میتواند این فرصت را برای همه فراهم کند. باید بتواند فراهم کند. ما باید بخواهیم، عزم کنیم و همه را با خود متحد کنیم و با شعار زنده باد آزادی و برابری در روز شانزدهم آذر به جنگ رژیم اسلامی برویم.

با ما، سازمان جوانان کمونیست در تماس باشید. برای اعتراضات شانزدهم آذر به ما پیوندید. ما میتوانیم دست در دست همه مردم، دست در دست کارگران، زنان و مردم محروم و فقر زده ای که کینه و نفرت از حکومت اسلامی سرتاپای وجودشان را فرا گرفته است، مبارزه برای سرنوشتی رژیم اسلامی را شدت بخشیم.

### سازمان جوانان کمونیست

۸ آبان ۱۳۸۲ - ۳۰ نوامبر

۱۶ آذر میتواند روز شروع خلاصی جوانان  
از فقر و توحش حکومت اسلامی باشد!



**آزادی. برابری.  
مرگ بر جمهوری اسلامی**

سازمان جوانان کمونیست

www.jawanan.org

## با این نسل طرفید!

دو نفر از جوانان تهران، حامد راد و امید جمشیدی، به ابتکار جالبی دست زده اند. آنها در اطلاعیه ای شخصی خطاب به احزاب و نیروهای اپوزیسیون فراخوان داده اند که پای سند «منشور آزادیهای سیاسی» که حزب کمونیست کارگری چندی پیش انتشار داد، امضاء بکنارند. آنها آدرس تی میل خود را داده اند تا احزاب و نیروهای اپوزیسیون به آنها اطلاع دهند که این سند را پذیرفته اند! (متن کامل را در صفحه ۲ بخوانید.)

شاید برای «قدیمی» های سیاست، این ابتکار حامد و امید احیاناً از سر «شور جوانی» و یا «احساسات حزبی» (هرچند حامد عضو سازمان جوانان کمونیست است ولی امید هنوز نیست) قلمداد شود. شاید خیلی ها اطلاعیه آنها را بخوانند و حداکثر تبسمی کنند و دنبال کار خودشان بروند. در این

## خدا از زبان خودش فرزان دانش

یکی از صفاتی که به خدا نسبت میدهند عدالت است. حال ببینیم که این صفت نیکو برازنده خداست یا نه. در سوره اعراف آیه ۱۴۰ آمده است: «موسی گفت: آیا غیر از خداوند برای شما معبودی بجوم؟ در حالیکه این خداوند است که شما را بر جهانیان برتری عنایت فرموده است.» و همچنین در سوره بقره آیه ۱۲۲ آمده است: «ای بنی اسرائیل بیاد آورید نعمتهایی را که به شما دادم. من بودم که شما را بر تمام جهانیان برتری دادم.» باید گفت برتری قومی نسبت به اقوام دیگر عدالت نیست. تبعیض است. در سوره انفال آیه ۲۵ آمده است: «از بلائی بترسید که وقتی نازل شود ظالم و مظلوم را باهم فرا میگردد. بدانید که مجازات خدایی بسیار سخت است.» اشاره این آیه به نابودی بعضی از اقوام در گذشته توسط خدا بوده است. باید گفت مجازات گناهکار و بیگناه باهم عدالت نیست. خود عین ظلم است.

در سوره زخرف آیه ۳۲ آمده است: «ما ثروت و معیشت را در دنیا بین مردم تقسیم کرده ایم و بعضی را از حیث ثروت بر بعضی دیگر تفوق داده ایم تا بعضی بوسیله مال بعضی دیگر را برای انجام کار مسخر کنند امور اجتماعی جریان پیدا کند.» و همچنین در سوره رعد آیه ۲۶ آمده است: «خدا بهر کس را بخواد تنگ روزی میگرداند.» و این مطلب در سوره های عنکبوت ۶۲ و زمر ۵۲ و شوری ۱۲ تکرار

صفحه ۳

## خورشید خانم پس ابر سیاه

نادر بکتاش



میشه مسجد اونوقت.»

وبلاگ خورشید خانوم  
(http://khorshidkhanoom.com)

فکر نمی کنم چنین تردیدی نسبت به تحریم انتخابات آتی مجلس، امروز رواج زیادی در میان مردم ایران و بویژه زنان و جوانان داشته باشد و

«من تو انتخابات شوراهای نادام. ولی الان خیلی پیشمونم. آدم بعضی اوقات باید حتما بین بد و بدتر، بد رو انتخاب کنه. این دفعه تو انتخابات مجلس شرکت می کنم. فکر کنین مجلس هم بشه مثل شورای شهر تهران! احتمالاً ایران

صفحه ۳

# آزادی، برابری، حکومت کارگری!

# رمضان، تدارک ۱۶ آذر

## مصاحبه رادیو انترناسیونال با

### بهرام مدرسی دبیر سازمان جوانان کمونیست



**سیما بهاری:** ماه رمضان است و رژیم معمولاً از چنین مناسبت‌هایی برای تحمیل قوانین مذهبی به مردم و به خصوص جوانان استفاده می‌کند. ارزیابی شما از فضای عمومی جامعه در این رابطه چیست؟

**بهرام مدرسی:** ماه رمضان همیشه مناسبتی بوده که در آن رژیم یک بار دیگر بودنش را امکان سرکوشی را و اساساً حاکم بودن احکام اسلامی را در آن جامعه ثابت کنده سال‌های پیش برای نمونه اینها در مدارس و دانشگاه‌ها حتی شیرهای آب را می‌بستند. کسی اجازه نداشت غذا بخورد. مردم رو هلاک می‌کردند تا وقتی که نوبت غذا خوردن و به اصطلاح افطار برسد! امسال اما داستان فرق کرده است. آنها مجبور شدند با اعتراض دانشجویان و دانش آموزان شیرهای آب را باز بگذارند. بعد هم به جای اینکه بگیرند و بزنند و مردم را به زور روانه نمازخانه و مجالس منعیشان کنند و سعی کنند توحش و قوانین اسلامی را بر جامعه حاکم بکنند، آمدند پای خواهش و تمنا کردن (که) برادر که خواهر بیابید رعایت بکنید شئون اسلامی را! این از موقعیت ضعیف سیاسی جمهوری اسلامی در مقابل مردم و جوانان ناشی می‌شود.

امسال به نظر من جمهوری اسلامی و تمام دستگاه حکومتی آن خوشحال می‌شدند اگر اصلاً ماه رمضان وجود نداشت. چون اقدامات رژیم در سالهای قبل در این رابطه و عدم توانایی آنها در اجرای همان قوانین و فشارها امسال، موقعیت ضعیف آنها را به نمایش می‌گذاشت و این اتفاقی است که همین الان دارد می‌افتد. اینها می‌دانند که جوانان و به خصوص دخترها ضد مذهب و این احکام و قوانین اسلامی هستند و مشکل بتوانند این قوانین و احکام را مثل سالهای گذشته به آنها تحمیل کنند؟ گفتم نمونه روشنش اعتراضاتی بوده که در دانشگاه‌های مختلف و در سطح کشور علیه بستن شیرهای آب و گرسنگی دادن و محرومیت غذایی دادن به کل آن جامعه دیدیم. تا جایی که در بعضی از دانشگاهها، همانوقت که اینها سلف سرویسها و شیرهای آب را بستند و خواستند به مردم گرسنگی تحمیل بکنند، دانشجویان علیه کیفیت بد غذای سلف سرویس اعتراض و تحصن کردند. این انعکاس حرکت کل جامعه است، جامعه‌ای که فضای عمومی آن چپ است، فضایی که در خودش می‌جوشد. می‌جوشد برای به خیابان آمدن و اعتراض کردن علیه جمهوری اسلامی و مبارزه برای سرنگونی آن. این جرقه کی زده خواهد شد؟ به نظر به همت حزب کمونیست کارگری ایران و فعالیتها و مبارزات جوانان، کارگران و مردم آزادیخواه این می‌تواند خیلی زودتر از آنکه تصور شما را می‌کنیم اتفاق بیافتد.

**سیما بهاری:** به نظر شما چه اقداماتی معینی را باید در رابطه با ۱۶ آذر از همین امروز در دستور قرار داد؟

**بهرام مدرسی:** قدم اول به نظر من اینست که سعی کنیم با همه دوستان، رفقا، آشنایان در محله، در مدرسه و دانشگاهها بر سر اینکه این روز می‌تواند امکانی باشد برای اعلام خواسته‌هایمان، برای تظاهرات کردن و به خیابان آمدن بحث کنیم و همه به این توافق مشترک برسیم. دوم باید از همین امروز شعارهایمان برای ۱۶ آذر معلوم باشد، شعار آزادی! برابری! مرگ بر جمهوری

# با ما به کنگره ۴ بیایید!

خواندگان عزیز نشریه، اعضای گروه جوانان کمونیست در باهو، همه اعضا و دوستان سازمان جوانان کمونیست در داخل کشور! دهد؟

میدانید که کنگره حزب در ماه دسامبر برگزار میشود. این کنگره حزبی است که با اعضا و رهبرانش از تهران تا آبادان، از مشهد تا تبریز، از آلمان تا کانادا، از انگلیس تا ژاپن، با فالینش در کارخانجات و دانشگاه، در مدارس و ادارات، زن یا مرد، پیر یا جوان آمده است که بجنگد و جمهوری اسلامی را سرنگون کند. آمده است که جامعه‌ای آزاد و برابر لایق انسان امروز را بسازد.

این کنگره جای همه شما است. متأسفانه هنوز امکان این نیست که همه شما عزیزان در این کنگره با هم دیدار کنید، باهم آشنا شوید و با رهبران حزب کمونیست کارگری از نزدیک بنشینید. این اما از طریق دیگری امکان پذیر است. سعی کنید وقتی که به این کنگره فکر میکنید به سوالات زیر جواب دهید و جوابهایتان را به دست ما برسانید. ما این نظرات و نامه‌ها را منتشر خواهیم کرد.

اما سوالات:  
- انتظاراتان از کنگره چهارم حزب چیست؟ به نظر شما این کنگره باید به چه مسائلی جواب دهد؟  
- پیامتان به کنگره چهارم چیست؟  
- اگر در کنگره شرکت داشتید، در نوبت صحبت‌کردنتان از میکروفون این کنگره چه پیامی را خطاب به مردم داشتید؟  
- هر مسئله دیگری که به نظراتان میرسد.  
**بهرام مدرسی**

خواندگان عزیز! جوانان کمونیست به سهم خود نوشته‌ها و اظهار نظرهای شما مربوط به کنگره را منعکس خواهد کرد. از همه شما دعوت میکنیم که به سوالاتی که بهرام مطرح کرده است پاسخ دهید. تا فرصت هست صدای خود و انتظار خود را بگوش بقیه برسانید. واقعاً اگر سه دقیقه وقت صحبت داشتید تا در کنگره صحبت میکردید، چه می‌گفتید؟ منتظر نامه‌هایتان هستیم. (جوانان کمونیست)

اسلامی! به نظر من باید شعار محوری ما در ۱۶ آذر باشد: شعارهای آزادی بی قید و شرط همه زندانیان سیاسی، بازگشت فوری و بی قید و شرط همه دانشجویان محرومی به دانشگاهها، لغو حجاب اجباری و دست مذهب از زندگی ما کوتاه، شعارهایی هستند که به نظر من باید در اعتراضات ۱۶ آذر به دست گرفته شوند.

امروز همه، چه در خانه یا محل کار چه در خوابگاه دانشجویی یا صف اتوبوس یا تاکسی و چه در محافل و مجالس متوجه شور و شوق مبارزه علیه جمهوری اسلامی هستند. میبیند که این دیگر دارد از سر و کول آن جامعه بالا می‌رود. این را باید ابعاد علنی‌تر و روشن‌تری بهش داد. ۱۶ آذر یک امکان خوب برای این امر است، منتها پیش از ۱۶ آذر با شعار نویسی، با آویزان کردن پلاکاردها و توزیع اطلاعیه‌هایی که در همین رابطه از طرف سازمان جوانان کمونیست و حزب کمونیست کارگری منتشر شده یا میشوند، با توزیع اینها و به هر شکلی که مفید میدانیم، سعی کنیم این شور مبارزه علیه جمهوری اسلامی، این خواست داشتن زندگی انسانی بدون از نکتت حکومت مذهبی را تبدیل به فضای علنی در جامعه، در محله و مدرسه و دانشگاهمان بکنیم. این فضا وجود دارد. هر کجایی که شما در آن جامعه سر بزیند متوجه این فضای مبارزه علیه جمهوری اسلامی خواهید بود. این فضا را باید به خیابانها آورد، باید علنی اش کرد، باید با شعارنویسی و توزیع اطلاعیه‌ها به مسئله روز تبدیل کرد و من فکر می‌کنم ما می‌توانیم این کار را بکنیم.

## در شماره آینده

میزگردی خواهیم داشت در ارزیابی از وبلاگ‌ها، بویژه وبلاگ‌های چپ، در این میزگرد علی فرهنگ، شیخ، و نادر بکتاش شرکت دارند.

همچنین بحث‌های داغی در مورد ۱۶ آذر، سازماندهی حزبی در داخل کشور و غیره در گروه جوانان کمونیست در باهو جریان دارد. امیدواریم منعکس کنیم.

## فراخوان به همه احزاب اپوزیسیون

### منشور آزادیهای سیاسی

به منظور تامین شرایطی که فعالیت آزاد و امن سیاسی در جامعه ممکن شود و مرد بتوانند آزاده و آگاهانه حکومت مطلوب خود را تامین کنند، جمهوری اسلامی باید سرنگون شده و مفاد این منشور متحقق گردد:

۱. جدایی مذهب از دولت و آموزش و پرورش. لغو کلیه قوانین و مقرراتی که منشاء مذهبی دارند. آزادی مذهب و بی‌مذهبی.
۲. آزادی بی‌قید و شرط عقیده، بیان، مطبوعات، اجتماعات، تشکل، تحزب و اعتصاب.
۳. برابری کامل و بی‌قید و شرط زن و مرد در حقوق مدنی و فردی. لغو کلیه قوانین و کمی ناقض این اصل است.
۴. برابری کامل حقوق همه شهروندان، صرف نظر از جنسیت، مذهب، ملیت، نژاد و تابعیت.
۵. آزادی کلیه زندانیان سیاسی.
۶. لغو مجازات اعدام.
۷. دسترسی همگانی بویژه احزاب و تشکل‌ها به رسانه‌های جمعی دولتی.

جمهوری اسلامی در آستانه سرنگونی است. تضمین حق مردم در تعیین حکومت آینده ایران مستلزم به رسمیت شناسی و تعهد به پایه‌ای ترین آزادی‌های سیاسی است. به این منظور حزب کمونیست کارگری ایران در تاریخ ۲۵ آذر ۱۳۸۱، ۱۶ دسامبر ۲۰۰۲، منشور آزادیهای سیاسی را پیشنهاد و تعهد خود را به تحقق آن اعلام داشت. در اینجا از تمام نیروها و احزاب سیاسی اپوزیسیون دعوت میشود که به صورت رسمی تعهد و پایبندی خود را برای ایرانی آزاد و برابر به صورت مشترک برای آدرس‌های زیر ارسال نمایند:

امید جمشیدی\_ حزب عاشقان ایران  
omid@omid57.com  
حامد راد\_ عضو سازمان جوانان کمونیست  
rad812003@yahoo.com

## رویدادهای هفته

### اسعد کوشا

#### خدا در خانه اش بمب گذاشت!

در دهه هائی نچندان دور مکه و آبادیهای همجوار محل تربیت و صدور مجاهدین راه خدا برای پاکسازی کفار و ملحدین از پهنه بلاد «اسلامی» بود. علمای اسلام در پناه شمشیر این السعود و تحت رهبری استراتژیک سازمان سیا، سایه سیاه تروریسم اسلامی را بر سرزمین افغانستان گسترده اند. آن جهاد، با تباهی یک نسل به سرانجام رسید و جهادیها بیچار شدند! با کشتار چند هزار نیویورکی آبیاتی چند در یازده سپتامبر بر جهان غرب نازل شد که خبر از گسترش میدان جهاد میداد. مسابقات تروریستی بدور نیمه نهائی خود وارد شدند. تروریسم دولتی غرب و تروریسم اسلامی شرق در عراق زمین بازی برپا کردند که به خرج مردم مصیبت زده منطقه هر یک نقش منفور خود را در یک سناریوی سیاه برعهده میگیرند. انفجارهای متعدد و اخیر در کشور محل سکونت خدا، آنها را از جانب کسانی که قرار است با عملیات

انتحاری به عرش باریتعالی بروند، بین علمای اسلام اختلاف انداخته است. مفتی های اعظم عربستان کماکان جهاد با کفار و صلیبیون را فتوا میدهند، اما مکان جهاد را عراق تعیین میکنند و نه پشت خانه خدا. حجت الاسلام و المسلمین جک استرا میفرمایند که «کشتن مردان، زنان و کودکان در ماه رمضان، نشانه ای جز تحقیر کردن اسلام نیست.»

مردم ایران در تجربه اسلام حکومتی در قریب به ربع قرن دریافته اند که تروریسم اسلامی و اسلام سیاسی دو قلوهای جدا ناپذیرند و یکی بدون دیگری زنده نمیماند. و علیرغم تلاشهای حوزه های علمیه کاخ باکینگهام و کمیته نوبل، موجود زنده ای از این عمل جراحی جداسازی حاصلشان نخواهد شد. بزودی اسلام سیاسی توسط گورکان خود در ایران بخاک سپرده خواهد شد. بهتر است اسلام شناسان غرب بجای اتلاف وقت به تمرین قرأت زیارتنامه اهل قبور مشغول شوند.

#### بهشت و جهنم در عراق

سرتیتر خبرهای عراق حاکی از جهنمی سوزان است. آنچه به روز مردم و بخصوص زنان و کودکان میآید، جولان دادن اسلام سیاسی، تروریسم تنمعه بعثیها، تیراندازیها و کشتار بی تبعیض سربازان غرب، سرکوب پنهان و آشکار جنبشهای اعتراضی، روی

جمهوریخواه و غیره) استفاده کردند، رای بالا آوردند و به قدرت رسیدند. در قدرت مردم را از هر گونه سازمان یابی و دخالت نهی کردند و خودشان به «چانه زنی» های بی حاصل در بالا پرداختند؛ لایحه مطبوعات را با یک تشر رهبر پس گرفتند، لوائح دوقلو را سقط کردند و تبدیل به مضحکه عالم و آدم شدند. در کنار تمام این خلف وعده ها و بی دست و پایی ها که اساسا به دلیل حفظ نظام و ترس از میانه آمدن مردم و جمع کردن بساط همه شان با هم بود، سعی کردند مردم را رنگ کنند: «مردم (ما)» شهیدپرورند، هر چقدر بیشتر زندان برویم، محبوبیتمان بیشتر می شود و در انتخاباتهای بعدی بیشتر رای خواهیم آورد! مردم هم، با عرض معذرت از خوانندگان، در انتخابات شوراها بیلاخ بزرگی حواله شان کردند و گفتند کور خواندید، هر چقدر دلتان می خواهد زندان بروید و

ستون طلب هایتان از مردم را پر تر کنید، ما نماینده انتخاب کردیم که گرهی از کار ما باز کند، نه اینکه به حقوق بالا و ماشین شیک برسد، مدام از خواست های ما و حتی خواست های خودش عقب بنشیند و ما را هم دعوت به صبر و تحمل بکند. سعی کردند مردم را بترسانند: «اگر رای ندهید و ما را انتخاب نکنید، لولوها می آیند، شورای شهر را قبضه می کنند و می خورند تا! مردم هم چیز بزرگتری حواله شان کردند، گفتند خودتانید، مگر شما که مجلس و ریاست جمهوری را داشتید

جهنم موعود پروردگار عالم در قرآن کریم را هم سفید کرده است. اما زیر این جهنم، بقول مطبوعات معتبر سرمایه داری، بهشتی در حال شکل گرفتن است که رضوان آن حضرت پاول برمر است. برای توصیف این جهنم مجسمه وازهایی کلاسیک سرمایه داری آمریکا GoldRush (تب طلا) و از این قبیل بکار برده میشود. برمر و شرکای پنهان و آشکار وی در حال تصویب قوانین سرمایه گذاری در عراقشان هستند. بر مبنای این قوانین که قرار است مدل اقتصادی منطقه را برای دهه های آتی ترسیم کند. شرکت های خارجی نه تنها میتوانند تا ۱۰۰ درصد سود حاصله را از کشور خارج کنند. یعنی وعده یک بهشت تمام عیار به سرمایه بین المللی که بدون هیچگونه نگرانی از حق و حساب بورژوازی محلی و دولتش، در سودهای فوری و هنگفت غلط بزنند. اسم رمز اینهم البته «بازسازی عراق» است. آن جهنم کلایی دقیقاً برای این است که بردگان مزد، ساکنین دائمی جهنم، به این بهشت موعود راضی شوند و هرشب در بی برقی، بی غذایی، بی بهداشتی، نا امنی و در وحشت از بمب های شیفتگان الله و جنایات سربازان عمو سام، با آرزوی آرام بخش «بهشت» لحظه ای به خواب بروند.

چه شکری خوردید که حالا ما نگران شوراها باشیم؟

۲ - انتخابات هفتم مجلس، جایگاهی کاملاً متفاوت با سایر انتخابات های جمهوری اسلامی خواهد داشت. مردم با اعتراضات خرداد و تیر امسال نشان دادند که دیگر مستقل از دو جناح و قائم به ذات وارد میدان می شوند و کل نظام را به مصاف می طلبند، نیازی به بهانه مثل بستن روزنامه سلام و زندانی کردن آغازی و غیره ندارند. جمهوری اسلامی، برای اولین بار در تاریخ حیاتش، تحت یک فشار عظیم متحد جهانی قرار گرفته است که به سختی راه در رو برایش خواهد گذاشت. مساله سلاح های اتمی، حمایت از تروریسم اسلامی در فلسطین و عراق، و حتی وضعیت حقوق بشر که معمولاً محلی از اعراب ندارد و به خاطر تجاوزات عظیم این نظام اسلامی به دستور جلسه مذاکرات رانده شده است، همچون زنجیرهای سنگینی بر پای جمهوری اسلامی بسته شده اند و امکان حرکت و مانور آن را تنگ کرده اند.

موفقیت انتخابات برای جمهوری اسلامی، در صورت شرکت وسیع مردم در آن، آنها را در مقابله با مطالبات آزادیخواهانه مردم بسیار تقویت خواهد کرد و دست شان را برای ادامه سیاست های خارجی دیوانه و ارشان بازتر. مشروعیت به دست آمده، در سیر پیشروی مردم برای خلاصی از این جهنم اسلامی، افت ایجاد خواهد کرد. در مقابل، موفقیت

## سیمینار آموزشی همین پنجشنبه



موضوع: هویت ملی، هویت انسانی

سخنران: آذر مدرسی

عضو دفتر سیاسی حزب کمونیست کُرگری ایران

ساعت ۸ شب به وقت اروپای مرکزی،

۱۰:۳۰ شب به وقت تهران

در پانتاک

اتاق ایران - آموزش سازمان جوانان کمونیست

## خدا از زبان خودش

از صفحه ۱  
شده است. با توجه به آیات فوق خداوند موجد طبقات اجتماعی بوده و عامل استعمار در جوامع طبقاتی است. بعضی را ثروتمند و بعضی را فقیر کرده است. در نتیجه او عامل فقر و نابرابری است. حتی اگر این خیال و وهم را بپذیریم بنا به سخنان خودش عادل نیست.

در سوره مائده آیه ۳۸ آمده است: «مجازات دزد چه زن و چه مرد این است که هر دو دست او را قطع کنند. این جزای عمل آنهاست که خدا مقرر فرموده.» حالا این به جای خودش که خدا دارد از مالکیت خصوصی دیگران حمایت میکند، اینهم بماند که خدا خیلی وحشی و

عقب مانده است و دست میبرد. اما اگر عامل دزدی فقر و بدبختی باشد، طبق آیات بالا عامل فقر خود خداست. پس او در واقع جرم را مرتکب شده، چرا باید انسانها مجازات شوند؟ در سوره اسراء آیه ۳۱ آمده است: «فرزندان خود را از ترس ناداری به قتل نرسانید. روزی رسان شما و آنها ما هستیم. کشتن آنها خطای بزرگی است.» این آیه بیانگر آن است که در آزمون شدت فقر بحدی بوده که عده ای فرزند خود را بعلت فقر میکشند. چه جنایتی هولناکتر از این است که کسی فرزند خود را بسست خود بکشد؟ فقر، عامل فقر کیست؟ خدا. پس جنایتکار واقعی خداست. خدای عامل تبعیض و ظلم و فقر و جنایت نمی تواند عادل باشد.

مستولیت سیاست ها و اعمالش را بپذیرد. مردم هم بی واسطه با دشمنی یک پارچه روبرو خواهند شد که ناچار خواهد بود در مقابل آنها عقب بنشیند. راست نشان داده که هم قابلیت عقب نشینی دارد و هم توانایی آن را. سیاست جمهوری اسلامی در برابر فشارهای بین المللی در زمینه سلاح اتمی را، جناح راست پیش برد. اصلاح طلبان جز وراجی و استیصال کاری از دستشان بر نمی آید، اما زمانی که راست مجبور شود سیاستی را در دستور کار بگذارد، توانایی پیشبرد آن را دارد.

۵ - تشبیهات کنونی برای زدن صبیغه پررنگ دینی به فرهنگسراها، سیاست غالب بر راست نیست و نخواهد بود. تنها هدف پایدار و «مقدس» آنها حفظ قدرت است. زمانی که خیالشان از موش دواندن اصلاح طلبان بی مایه راحت شود، قادر به عقب نشینی های اجتماعی - ایدئولوژیکی ای خواهند شد که هیچگاه اصلاح طلبان (حتی اگر رهبر هم یکی از آنها باشد) جرئت آن را نخواهند داشت.

۶ - ظرفیت انتخابات در جمهوری اسلامی، نه به عنوان ابزاری برای مداخله مردم در تعیین سرنوشت شان که روزنه ای برای ورود به دعوائی بالایی ها و تشدید اختلافات شان، به پایان رسیده است. راه حل در سازمان، یابی علنی و مخفی و نیمه علنی، قانونی و غیر قانونی، و متصل شدن به احزاب سرنوشتی طلب است.

مردم در تحریم، اعتماد به نفس مردم برای پیگیری مستقل خواست هایشان را بالا خواهد برد و آنها را در موضع قدرت در برابر رژیم قرار خواهد داد.

۳ - علاوه بر بهره برداری کل نظام، نتایج یک انتخابات موفق (با تعداد بالایی شرکت کنند) به هر حال به جیب راست خواهد رفت. راست جمهوری اسلامی، با توجه به تجربه انتخابات قبل، به هیچوجه امکان شرکت طبقات موسوم به اصلاح طلب را در انتخابات نخواهد داد. از همان اول، در «انتخابات» شورای نگهبان، حذف خواهند شد (تعدادی سیاهی لشکر را برای گرم کردن تنور انتخابات نگه خواهند داشت). به همین دلیل است که حتی مشارکت هم شرکتش در انتخابات را مشروط به چگونگی نظارت استصوابی کرده است. در صورت تحریم بزرگ، راست علیرغم «پیروزی» عددی اش، پیام سیاسی مردم را خواهد گرفت و بسیار دست به عصا در مقابل مردم جلو خواهد آمد. آنها مثل اصلاح طلبان و این بهژاد افخمی، کودن نیستند و زبان قذرب مردم و معنای اعتراض آنها را خوب می فهمند.

۴ - تسخیر کامل تمام نهادهای مقننه و مجریه توسط راست، منجر به تغییراتی در رابطه آنها با مردم خواهد شد. اول اینکه راست آشکارا، و نه با حائل «نهادهای انتخابی» و یا از طریق تاریکخانه ها و شبکه های مخفی و غیره، رو در روی جامعه ایرانی و بین المللی قرار خواهد گرفت و ناچار خواهد شد

# دهم دسامبر روز اعتراضی جهانی؛ اسلام ضد بشر است! برای ۱۰ دسامبر در خارج و داخل آماده شوید!

**گفتگو با مینا احدی**  
مسئول آکسیونهای حزب  
کمونیست کارگری در خارج از کشور

**جوانان کمونیست:** در ده دسامبر چه اتفاقی قرار بیفتد؟

**مینا احدی:** ده دسامبر روزی است که رسماً شیرین عبادی جایزه صلح نوبل را دریافت میکند. این مراسم در شهر اسلو در نروژ خواهد بود و طبعاً جایزه دهندگان اینرا به یک نمایش سیاسی مهم برای دادن پیام خودشان به دنیا در مورد ایران و نوع خوش خیام حکومت اسلامی و اسلام سیاسی تبدیل خواهند کرد.

**جوانان کمونیست:** در روز ده دسامبر؟

**مینا احدی:** روز بعد، یازده دسامبر، در اسلو یک کنسرت بزرگ برگزار خواهد شد که با شرکت هنرمندان سرشناس این المللی خواهد بود. ظاهراً اینها پذیرفته اند و یا به آنها گفته شده که جایزه صلح نوبل در ابراز احترام به حقوق بشر و یا حقوق زنان از کشورهای اسلام زده است و این کنسرت نیز طبعاً به تبلیغ پیام سیاسی پشت جایزه صلح نوبل اختصاص خواهد یافت.

**جوانان کمونیست:** تبلیغات عظیمی است. معنی سیاسی اینها چیست؟ چه در سطح جهان و کشورهای اسلام زده و چه ایران؟

**مینا احدی:** معنی سیاسی دادن جایزه به شیرین عبادی به سادگی اینست که اتحادیه اروپا و دولتهای اروپایی با توجه به موقعیت پیچیده منطقه و همچنین بویژه با توجه به خطر یک انقلاب در ایران، میخواهند کماکان از ادامه حیات رژیم اسلامی دفاع کرده و این بار با بازیگری شیرین عبادی امکان اصلاحات در حکومت اسلامی، اینکه اوضاع در ایران چندان هم سیاه نیست و باید صبر پیشه کرد را تبلیغ کنند. البته شیرین عبادی در عرض چند روز همه حرفها را زد و مردم دیدند که پشت پرده جایزه صلح نوبل چیست. عبادی همان حرفهای خاتمی را میزند و به اصطلاح خود جایزه دهندگان قرار است روح تازه ای به کالبد اصلاحات در ایران بدمد.

در جهان اینها از اسلام میانه رو و تطابق اسلام با حقوق بشر حرف میزنند و از نسبییت فرهنگی دفاع کرده و جهانشمولی حقوق انسانی را کاملاً زیر پا میگذارند. در کشورهای اسلام زده معنی سیاسی حرکت اینها اینست که مردم متولد و ساکن این کشورها باید به همین راضی باشند. آنها مسلمان هستند و کشورشان اسلامی است و اگر حقوق انسانی اشان نقض میشوند، اگر با فقر دست و پنجه نرم میکنند و اگر زنان نیمه انسان محسوب میشوند،

از این واقعه، گوش همگان را کر کرده بود، گفتیم که به بیابانه کمیته صلح نوبل معترضیم و گفتیم که هدف سیاسی دولتهای اروپایی نگه داشتن حکومت اسلامی و شیرین مالیدن به سر مردم از طریق علم کردن شخصیت دیگری برای به اصطلاح اصلاح کردن رژیم است. ما البته بلافاصله عکس العمل مردم را نیز دیدیم و یکبار دیگر نشان دادیم که نماینده رادیکال آمل و آرزوها و نظرات مردم هستیم. بعد از این واقعه احترام و محبوبیت حزب ما در بین مردم بیشتر و بیشتر شد. الان روز ده دسامبر را در پیش رو داریم. ما بسهم خودمان خواهیم کوشید این روز را به روز افشاگری بر علیه حکومت جنایتکار اسلامی تبدیل کرده و در عین حال به سیاست همکاری و مماشات دولتهای غربی با این حکومت ترور و وحشت اسلامی اعتراض کرده و صدای مردم و کارگران و زنان و جوانان ایران را به گوش جهانیان برسانیم. ده دسامبر را باید به برلین دیگری تبدیل کرد.

**جوانان کمونیست:** ولی این تفاوتهایی با کنفرانس برلین دارد. بنظر شما تفاوت و تشابهات ده دسامبر با کنفرانس برلین چیست؟

**مینا احدی:** در کنفرانس برلین نیز میخواستند نشان دهند که رژیم اصلاح پذیر است و میتوان با آویزان شدن به عبای خاتمی، برای رژیم اسلامی عمر خرید و در عین حال مردم را با گفتن اینکه مشغول اصلاحات هستیم و صبر کنید، به سکوت و تسکین وادار کنند. ما این پروژه را شکست دادیم و همه از آن خبردارند. اما در اسلو قرار نیست منابع برگزاری برنامه جایزه دادن شوم. در آنجا ما با برگزاری میتینگهایی و در عین حال انجام مجموعه اقداماتی میخواهیم توجه همه آن صد مرکز خبری که قرار است از جایزه گرفتن عبادی برنامه تهیه کرده و مشغول مهندسی افکار شوند، به خودمان جلب کنیم. و یا وادارشان کنیم که از زبان ما حقایق در ایران را منعکس کنند. ما خواهیم کوشید ده دسامبر روزی شود که صدای اعتراض مردم ایران به حکومت فاشیست اسلامی را همگان در جهان بشنوند. روزی که صدای جنبش وسیع اجتماعی برای سرنگونی حکومت، صدای کارگران و صدای جنبش ضد مذهبی و سکولار جوانان و صدای جنبش مترقی و برابری طلبانه زنان به گوش همگان برسد.

**جوانان کمونیست:** برای تحقق این هدف چه اقداماتی را در دستور گذارده اید و چه اقداماتی را در دستور خواهید گذاشت؟

**مینا احدی:** ما مجموعه اقداماتی را در دستور گذاشته ایم که شامل برگزاری دو روز میتینگ در مقابل

ساختمان کمیته صلح نوبل، تماس با مطبوعات محلی و بین المللی، ارسال یک نامه سرگشاده به هنرمندانی است که در ۱۱ دسامبر برنامه اجرا میکنند و همچنین اجرای برنامه های نمایشی در محل میتینگ در مورد بی حقوقی انسانها در ایران و بالاخص بی حقوقی زنان در ایران است.

**جوانان کمونیست:** آیا از دیگر گروههای اپوزیسیون هم دعوت میکنید که در این حرکت فعالانه شرکت کنند؟ آیا چنین گروههای اپوزیسیونی هست؟

**مینا احدی:** ما برای شرکت در این برنامه ما از همه مردم و همچنین سازمانهای اپوزیسیون دعوت میکنیم که شرکت کنند. اما همه میدانند که جریانات ملی مذهبی و راست پرو غرب و همه نیروهای اپوزیسیون در مورد دادن جایزه به شیرین عبادی چگونه از خود بیخود شده و از این بانوی ایرانی و بانوی صلح و بانوی مسلمان چه تعریف و تمجیدهایی که نکردند و چگونه حتی برخی از این جریانات با فرستادن نمایندگان خود به اسلو به کمیته صلح نوبل دسته گل دادند. اینها که سالیها سال است از این اشتباهات میکنند و درس هم نمیگیرند. اما طرف خطاب ما با مردم است. مردم در هر نروژ و سوئد و دانمارک و سیاست کمیته صلح نوبل و دولتهای اروپایی اعتراض کرده و اعتراض و خشم خود را بر علیه حکومت اسلامی به همگان نشان دهند. ما جدا میخواهیم مردم به اسلو بیایند.

**جوانان کمونیست:** مهرنوش موسوی و شما ابتکار یک تومار اعتراضی را به عهده گرفتید، خلاصه کلام این تومار چیست؟

**مینا احدی:** ما اساساً به بیابانه کمیته صلح نوبل اعتراض داشتیم. در این بیابانه از «زن مسلمان» و «جامعه اسلامی» حرف زده شده بود. همان تعاریفی که سالهای سال است با آن می جنگیم. این پخش از سیاست دولتهای غربی است که با گفتن جامعه اسلامی این جوامع را اسلامیزه کنند. ما بارها گفته ایم که ایران جامعه اسلامی نیست. حکومتش اسلامی است و همین حکومت مورد نفرت عمیق عمومی است. اتفاقاً در ایران یک جنبش عظیم ضد مذهبی وجود دارد و یک مبارزه اجتماعی برای جدایی مذهب از دولت و آموزش و پرورش. مردم میگویند دست مذهب از زندگی ما کوتاه. بعد این بیابانه با میسر می مارک اسلامی را بر پیشانی مردم می چسبانند. معنی عملی این مارک یعنی اینکه به همین شرایط تسکین کنید. ما به این رفتار راسیستی و ارتجاعی اعتراض داشته و داریم و نامه اعتراضی خودمان را نوشته و برای کمیته صلح نوبل نیز ارسال کردیم.

**جوانان کمونیست:** کار این تومار اعتراض تا آن به کجا رسیده است؟ عکس العمل ها، موافق و مخالف؟

**مینا احدی:** تا کنون بیش از ۹۰۰ نفر این تومار را امضا کرده اند. باید توجه کرد که این تومار اعتراضی به

یک حکم اعدام و یا سنگسار نیست که امری کاملاً واضح هستند. این اعتراض به سیاست معینی است که اتفاقاً در ایران و از طرف نیروهای چپ و راست این مملکت با هلهله و پشتیبانی روبرو شد. مردم اما به ما پاسخ داده و با امضا این نامه و با ارسال نامه و پیام و تلفن دلگرمی بزرگی را برای ما ایجاد کردند.

**جوانان کمونیست:** مایلید چند نمونه مشخص بیاورید؟

**مینا احدی:** ما از دانشجویان، از زنان و از خانواده های اعدام شدگان و کارگران و فعالین سیاسی و غیره نامه دریافت کردیم. از نمونه های جالب برای من نامه هایی بود که از چند زن تن فروش بطور مثال در دوی دریافت کردیم و یا نامه دسته جمعی از چند خانواده در شهر سقز که عزیزانشان به دست جمهوری اسلامی اعدام شده بود. نامه های زیادی از زنانی که با گفتن سرگشتهای خودشان با ما تماس گرفته و خواهان همکاری بیشتر با ما بودند. امضاء ها در روزنه هست، حتما نگاه کنید. خیلی جالب است.

**جوانان کمونیست:** مکان و اهمیت مشخص این تومار در اعتراض ۱۰ دسامبر چیست؟

**مینا احدی:** ما قبلاً نمایندگان خودمان را به اسلو فرستاده و متن نامه امضاها را به دست رئیس کمیته صلح نوبل رسانده ایم. در ده دسامبر نیز با پهن کردن پارچه چند متری همه اسامی را خواهیم نوشت و از مردم خواهیم خواست این طومار را در همان روزها نیز امضا کنند. این یک نمونه دیگر از اعتراض مردم ایران به جمهوری اسلامی ایران و سیاستهای دولتهای غربی خواهد بود. من فکر میکنم اگر تا ده دسامبر تعداد امضاء بسیار بالا برود خودش یک اعمال فشار جالبی میشود. از خوانندگان شما میخواهم که این نامه اعتراضی را امضا کنند.

**جوانان کمونیست:** فراخوان شما به مردم آزادیخواه و معترض به این تصمیم نوبل که در خارج زندگی میکنند چیست؟

**مینا احدی:** فراخوان من به مردم در خارج کشور اینست که در هر کجا که هستند روز ده دسامبر را به روز اعتراض بر علیه حکومت اسلامی تبدیل کنند. حتماً از همین حالا اتوبوس و قطار و هواپیمای زوررو کنند و به اسلو بیایند. با ما در تماس باشند و برنامه هایی را که اعلام میکنم دنبال کنند.

**جوانان کمونیست:** به نظر شما خوانندگان ما در ایران چه میتوانند بکنند؟

**مینا احدی:** در ایران نیز باید کوشید در این روز با برگزاری برنامه هایی اعتراض خودمان را نشان دهیم. باید با شعار مرگ بر جمهوری اسلامی و آزادی و برابری به خیابان آمد. واقعیت اینست که همه این تقلاها، نظیر تلاش های کمیته نوبل و اتحادیه اروپا، خاکریزهایی هستند در مقابل انقلابی که در ایران طلیعه های آنرا میتوان دید. پس پیش بسوی انقلاب برای سرنگونی حکومت اسلامی و ساختن یک دنیای بهتر.

## جنبش کارگری: کودکی یا بلوغ؟

### پاسخ به دو سوال

#### مصطفی صابر



(رفیق اوستا) از کرمانشاه

نوشته اند:

(سلام آقای صابر، خسته نباشید...

با کمال تأسف احساس میکنم مخاطبین اصلی کمونیسم کارگری که کارگران هستند بیشتر از همه خرافات زده و ارتجاعی فکر میکنند. مثلاً همین چند روز پیش من با کارگری صحبت میکردم همینکه فهمیدم به خواد و اینجور چیزها اعتقاد ندارم گفت باهات دست دادم دستم نجس شد! خب به نظر شما ماها باید چطوری با این دوستان عزیز گفتگو کنیم؟ منو راهنمایی کنید چون میترسم با این روند خرافه پرستی که توی جامعه هست سرم رو به باد بدم! به امید دیدار همه رفقا.)

**اسد حکمت** از اصفهان نوشته اند:

(... ما حرف از قدرت گیری کمونیسم میزیم ولی این بدون اتکاء به جنبش های سازمان یافته کارگری مقدور نیست. جنبشی که مراحل کودکی خود را طی میکند. البته این موضوع را با استناد به نادر میگویم.) به سخنرانی آیا کمونیسم در ایران پیروز میشود، رجوع کنید.)

ضمن تشکر، برای پاسخ دادن به سوالات فوق پایه بحث بر میگردد به درک از طبقه کارگر، چگونگی مبارزه او، و موقعیت ویژه اش در ایران. در این رابطه بحثی از حکمت را در همین شماره چاپ کرده ایم که امیدوارم کمکی برای پاسخ به سوالات شما باشد. توضیحات زیر نیز میتواند مفید باشد.

#### ۱. کارگر: مخاطب یا گونده؟

کمونیسم کارگری و حزب آن، خود بخش پیشرو و آگاه طبقه کارگر است. به یک معنی: کارگر مخاطب ما نیست، ما خود کارگریم! این مهمترین نکته در پاسخ به سوالات شما و راستش آن هسته محوری است که نظریات و پراتیک کمونیسم کارگری و حزبش بر آن بنا شده است. ما هر گذشته و سابقه ای داشته باشیم، جنبش عدل ای ایمان آوردگان به کمونیسم نیستیم که حالا قرار است خطاب به کارگران حرف بزنیم و آنها را چپ و کمونیست کنیم. در سمینار اول کمونیسم کارگری منصور حکمت (جلد ششم آثار او، سایت حکمت) بنحو درخشانی این ایده مانیفست را که کمونیستها بخشی از طبقه پخش پیشرو و آگاه به منافع عمومی آن هستند را بسط و توضیح میدهند. او نشان میدهد که مفهوم کارگر اصلاً در سطح فلسفی برای مارکسیسم مفروض و موجود است. مارکسیسم یا همان تئوری کمونیسم کارگری، چیزی جز بیان تئوریک جنبش همین طبقه کارگر برای رهایی نیست. مارکسیسم از بیرون طبقه با او حرف نمی زند. دارد او را در جامعه، در سطح ایدئولوژیک و سیاسی و مبارزه اقتصادی نمایندگی میکند. مارکسیسم به مثابه جنبش، خود بخش آگاه طبقه کارگر به

جز همان جنبش ملی اسلامی بورژوازی

ایران در لباس کار نیستند!

کمونیسم کارگری از بنیاد با چنین دیدگاهی متفاوت است. کمونیسم کارگری به جنبش واقعی و فی الحال موجود خود تکیه میکند. جنبشی که حضور دارد و به اشکال گوناگون دارد اعتراض میکند. حتی با حداقل تشکل، ولو با آگاهیهای اولیه و صیقل نخورده، ولی هست و دارد اعتراض را میکند. کمونیسم کارگری میگوید زبان اعتراض همین جنبش باشد. میگوید این جنبش را در سطح سیاسی و اجتماعی نمایندگی کند. سعی میکند آژا صاحب برنامه و افق حزب سیاسی، ارگان رهبری و سازمانی محکم و منضبط برای مبارزه طبقاتی (که اساساً سیاسی است) کند. سعی میکند قدرت این جنبش را در همه ابعاد توده ای اش متشکل کند. سعی میکند خطاب به طبقات دیگر و از زاویه این طبقه صحبت کند. نه فقط اجازه نمی دهد پرچم کارگر و کمونیسم در صحنه سیاسی و اجتماعی زیر دست و پا له شود، نه فقط شرایطی فراهم میکند که کارگر معترض و رادیکال از روی ناچاری دنبال بورژوازی «بهتر» نرود، بلکه شرایطی فراهم میکند تا حتی غیر کارگرهای معترض به اوضاع هم به زیر پرچم کارگری و کمونیستی بیایند. در یک کلام جنبش فی الحال موجود سوسیالیستی کارگری را در جلال قدرت و سطوح جامعه با همه تنوع و چند جانبه گی اش نمایندگی میکند.

#### ۲. کارگر: منهدی؟ دوران کودکی؟

این یک واقعیت است که هنوز بسیاری از کارگران تحت تاثیر انواع و اقسام خرافات طبقات حاکم هستند. اگر غیر از این بود باید تعجب میکردیم. اما واقعاً در ذهن دارد. وقتی میخواهد به کارگر توجه کند در عالم واقع کارگران منفرد و منزوی و مقهور آراء و افکار طبقات دیگر را می بیند. (و در این سطح بحث مهم نیست که شخص ناظر خود پشت انتر پشت کارگر باشد، یا دانشجوی چپی که در هر کجا جای پای «بورژوا» را می بیند و میخواند «پرولتیزه» بشود.) یا شروع میکند به پرستیدن همین کارگر مقهور و منفرد و «کمونیسم» اش را به قامت این «کارگر» میدوزد (مثلاً میگوید کارگر منهدی است، به مذهب حمله نکنید! کارگر سستی است سر خوارش حجاب میکند، اینقدر بی حجاب نباشید! کارگر کمونیست نیست اینقدر کمونیست کمونیست نکند! و غیره.) و یا فکر میکند نه تا وقتی این کارگر کمونیست نشده حرفی از قدرت گیری کمونیسم در میان نیست، پس باید فعلاً رفت و محافل ترویجی تشکیل داد و یک ۲۰۰ سال دیگر «کار سوسیالیستی» کرد تا وقت گل نی کارگر آماده قدرت گیری بشود. به حزب میگوید میخوانی قدرت را بگیر! پس کو تشکل های کارگری؟ برو اول اینها را بساز و بعد حرف قدرت سیاسی بزن. این دو مورد در واقع دو روی یک سکه اند و به یک نتیجه عملی هم میرسد: واگذار کردن اعتراض اجتماعی طبقه کارگر به بورژوازی. اینها عملاً کارگر را در صحنه سیاست و مبارزه برای تغییر اوضاع کت بسته در اختیار ناسیونالیسم، دوم خرداد، سلطنت طلب و غیره قرار میدهند. اینها در واقع چیزی

مبارزه وسیع، سراسری و سازمانیافته توده ای قرار داشته است. سازمانیافتن و به میدان آمدن جنبش کارگری بصورت سراسری ملزومات خاص خودش را دارد. رهبران کارگری و تشکل های کارگری در زیر زمین خانه ها و بصورت مخفی شکل نمی گیرند. دستکم حداقلی از شرایط نیمه علنی برای شکل گیری رهبران و تشکل های علنی کارگری لازم است. صحبت های منصور حکمت در «آیا کمونیسم در ایران پیروز میشود» نیز ناظر به همین است. او علم حضور یک جنبش کارگری متشکل و در صحنه را یک ضعف بزرگ کمونیسم در ایران میدانند. او میگوید چطور مثلاً در کشورهای آمریکای لاتین یک رهبر کارگری به اندازه شهردار و وکیل مجلس شناخته شده است. ولی همانجا هم او تاکید میکند که در مراحل نهایی مبارزه علیه جمهوری اسلامی کارگران خواهند آمد. بعلاوه، و این نکته محوری و جوهر انقلابی بحث حکمت است، او قتلان یک جنبش کارگری قلمروند، متشکل و در صحنه را مانع غیر قابل عبوری برای پیروزی کمونیسم نمی داند. او برعکس معتقد است اتفاقاً برای فاتح آمدن بر این مانع حزب کمونیست کارگری بمجرذ اینکه نیروی کافی بدست آورد که بتواند قدرت را بگیرد باید این کار را انجام دهد. او بدست اعتقاد راسخ دارد که کارگران بلافاصله حکومت خودشان را تقویت خواهند کرد. بلافاصله از آن حمایت خواهند کرد و بلافاصله متشکل خواهند شد و دست به اعمال حکومت خواهند زد. او در واقع خود مرحله تصرف قدرت را مقطعی در پیشرفت مبارزه طبقاتی و گامی در متشکل شدن طبقه کارگر بمشابه حکومت میدانند. او دارد میگوید که برای متشکل شدن طبقه کارگر اولین مانع سرکوب و قدرت دولتی بورژوازی است، اگر حزب کمونیست کارگری و جنبش کمونیسم کارگری بتواند آنقدر نیرو به میدان آورد که امر تصرف قدرت را انجام دهد، بلافاصله آزادترین و بهترین شرایط برای متشکل طبقه کارگر، دخالت روزمره و ملایم در امر حکومت و تعیین سرنوشت جامعه برای او فراهم خواهد شد. حتی اگر مساله تصرف قدرت هم مطرح نباشد، باز همین رابطه صادق است. به میزانی که حزب میتواند نیرو دور خود جمع کند، قادر خواهد شد نیروی سیاسی جابجا کند و توازن قوا را به نفع متشکل شدن کارگر و پیشروی کمونیسم (و نیرو گیری بیشتر حزب) بهم زند.

#### ۵. چند نکته مشخصتر

در پاسخ به «رفیق اوستا» باید گفت با کارگر منهدی و خرافاتی باید همان برخوردی کرد که با هر آدم خرافاتی و منهدی باید داشت. بادمان زرد مردم با ایدئولوژی زندگی نمی کنند. آنها انتخاب سیاسی میکنند. از سر سیاست و تغییر واقعی وضع خود به این و یا آن جهان نگرزی نزدیک میشوند. بعلاوه، از این بگذریم که حتی همان کارگر منهدی تا چه حد ضد جمهوری اسلامی و رادیکال و سرنوشتی طلب است، از اینهم بگذریم که بطور واقعی به ازای هر کارگر منهدی چند تا کارگر غیر منهدی و

شوراهای سالهای ۵۷ تا همین امروز، همین اعتصاب کارگران پتروشیمی در هفته قبل که کارگران گفتند «ما ابزار آلات نیستیم که به فروش برویم»، میشود این سوسیالیسم رادیکال را نشان داد. این البته بحث مفصلی است که در ادبیات ما به کرات به آن پرداخته شده است. در اینجا چند مثال بد نیست. مثلاً در نزد طبقه کارگر ایران سرمایه و سرمایه داری منفور است. طبقه کارگر ایران در هر تحول اجتماعی آتی سرعت پای کنترل کارخانه و تلاش برای عبور از مالکیت بورژوازی خواهد رفت. اگر دقت کنید حتی راست ترین و ارتجاعی ترین جریاناتی که میکوشند به نام کارگران حرف بزنند، تلاش میکنند خود را ضد سرمایه دار جلوه دهند. در سالهای اخیر کارگران از لحاظ سیاسی کمتر از بقیه اقشار جامعه توهمی به خاتمی نشان دادند. در تمام این سالها آنها به اعتراض خود (ولو پراکنده ولی وسیع) علیه کل وضعیت موجود ادامه داده اند. اکنون به جرئت میتوان گفت این سوسیالیسم کارگری، با مشخصات ضد سرمایه داری، با اعتصاب و مجمع عمومی اش و با رادیکالیسم و آشنی ناپذیری اش (مثلاً تظاهرات کارگران جلوی مجلس و یا تظاهرات ۲۵ شهریور ۸۱ را در نظر بگیرید.) قوی ترین با سنت ترین و معتبرترین جریان درون طبقه کارگر است ولو اینکه هنوز چنان متشکل نباشد. در تحولات جامعه ایران این سوسیالیسم کارگری نقش تعیین کننده ای در انتخاب سیاسی طبقه کارگر ایفا خواهد کرد. این گرایش پایه توده ای کمونیسم کارگری در ایران است و نماینده و مابه ازای سیاسی این جریان چیزی جز حزب کمونیست کارگری نیست. یک لحظه هم نباید فراموش کرد که پیدایش کمونیسم کارگری و حزب کمونیست کارگری در ایران یک اتفاق تاریخی نبود. یک ضرورت ناشی از انقلاب ۵۷ و به میدان آمدن همین سوسیالیسم کارگری بود. به توجه به آنچه گفته شد، این ارزیابی که جنبش کارگری در ایران «دوران کودکی» خود را میگذراند به نظر من درست نیست. به یک معنی، به اعتبار آن سوسیالیسم کارگری و حزب کمونیست کارگری، جنبش کارگری در ایران یکی از بالغ ترین جنبش های کارگری در جهان است. جنبشی که هنوز نتوانسته است از زیر آوار یکی از سفاک ترین و وحشی ترین حکومت بورژوازی معاصر قد علم کند. بزودی خواهد کرد!

#### ۶. کارگران، حزب قدرت سیاسی

اما آیا آنچه آمد در تناقض با واقعیت سیاسی بلافاصله لحظه حاضر قرار نمی گیرد؟ آیا این یک واقعیت نیست که جنبش توده ای کارگری در ایران متشکل نیست، پراکنده است، حضور تعیین کننده مستمری در مبارزه سیاسی ندارد و غیره؟ درست است که جنبش کارگری به مثابه یک جنبش همه این ضعف ها را دارد. ولی نباید بقول حکمت در همین بحثی که این شماره چاپ کرده ایم، ذهنیت خودمان را با مبارزه واقعی کارگری اشتباه بگیریم. طبقه کارگر ایران زیر فشار فقر، بیکاری، رقابت شدید و اختناق بسیار سنگین اسلامی در بدترین شرایط برای یک

## این یک کلاهبرداری قدیمی است!

### منصور حکمت

**بحث زیر سخنرانی منصور حکمت در کنگره سوم حزب در رابطه با مباحثی است که حول قطعنامه در رابطه با جنبش کارگری صورت گرفت. در طی بحث او اشاراتی به وقایع سیاسی روز (نظیر وقایع خرم آباد) دارد. در این سخنرانی حکمت به نکات متنوعی اشاره میکند. جهت سهولت در خواندن سوتیترهایی با توجه به متن اضافه شده است که طبعاً از خود حکمت نیست. همینطور چند جا کلماتی در دو پرانتز (( )) اضافه شده است که برای درک روشتر متن لازم به نظر میرسد. (جوانان کمونیست)**

### مبارزه سیاسی و اقتصادی طبقه کارگر

**سخنرانی منصور حکمت در کنگره سوم حزب (مهر ۱۳۷۹ - اکتبر ۲۰۰۰) اول بار در کارگر کمونیست، دوره جدید، شماره ۳، مهر ۸۲، اکتبر ۲۰۰۳ منتشر شد**

در رابطه با این بحث میخواستیم به چند نکته تاکید کنیم.

### مبارزه سیاسی یا اقتصادی

در شرایطی که آتن بشقابی سیاسی است، سیغه سیاسی است، مسابقه فوتبال سیاسی است، مبارزه بر سر دستمزد اقتصادی نیمبند است. در جامعه ایران که این بی ثباتی هست و جمهوری اسلامی با این معضلی که دارد هر اعتصاب کارگری نهایتاً اعتصابی است در رابطه با حکومت و برای همین است که فوری سپاه سراغ اعتصاب میروند. اتحادیه کارفرمایان با آن اعتصاب روبرو نمیشود، سپاه پاسداران با آن روبرو میشود، کمیته ها میروند و میکشند، میزنند، شلیک میکنند در مبارزه ای که برای حقوق معوقه است.

در ایران امروز مبارزه طبقه کارگر، بنا به ماهیت شرایط، سیاسی است. بطور کلی مبارزه اقتصادی طبقه کارگر در جامعه کاپیتالیستی تقابل سیاسی در جامعه را نشان میدهد. ولی اینجا یعنی اخض کلمه این مبارزه به سرنوشت این حکومت مربوط میشود. اگر با یک جنبش اعتصابی سراسری روبرو بشوند، میافتند، مساله بهمین سادگی است، حتی اگر طرف فقط دستمزدش را بخواهد، و لازم نیست الزاماً بگوید «آزادی اندیشه با ریش و پشم نمیشه»، یا چیز دیگری، تا سیاسی شده باشد. همینکه بگوید دستمزد را میخواهم و سر کار نمیروم، کافیتست که جمهوری اسلامی به لبه پرتگاه سقوط نزدیک شود. در نتیجه ما نباید زیاد نگران این باشیم که چرا مثلاً کارگران در مبارزه علیه سلطنت شعار آزادی و کلاهی زدن را ندادند. ما از نظر استراتژی حرکت جنبشمان نباید نگران این باشیم. میشود گفت که اگر میکشند نشان دهند رشد آگاهی سیاسی و توجه کارگر به صحنه

نیست. برعکس است. در جامعه کاپیتالیستی به بچه های بورژوا نمیتوانند دست بزنند، خیلی نمیتوانند با صاحبان کارخانه ها خشونت بکنند، مجبورند برسیمت شان بشناسند و با آنها کنار بیایند. ولی کارگر را میزنند. آنچه که ما به آن قدرت طبقه کارگر میگوییم باید معنی بالفعلش از درون پتانسیل موجود وجود بیاید. و اینجاست که بنظر من چند تا فاکتور مهم است:

### مراحل واقعی مبارزه کارگری

یکی اینکه جنبش مراحل واقعی خودش را برای قدرتمند شدن طی بکند. کارگر را به تظاهرات کشیدن اشتباه است. چرا میخواستی بریش تظاهرات؟ کارگر قدرتش در تظاهرات نیست، جنبش دانشجویی قدرتش در تظاهرات است. کارگر، لزوماً، قدرتش در تظاهرات نیست. یک فازی از مبارزه کارگری ممکن است تظاهرات باشد. ولی جنبش کارگری قدرتش در اهرمهای تولید است که در دست خودش دارد که بتواند بطور ادامه کار روی آنها تاثیر بگذارد. قدرت کارگر در موقعیتش در اقتصاد است. در نتیجه اگر کارگر هم ضربه اقتصادی به بورژوازی میزند، فکر نکنید که این شکل بدوی تری است نسبت به دانشجوئی که جلو دانشگاه میاید یا روشنفکر و جوانی که میاید جلوی دانشگاه یا همان کارگر در قامت شهروند میاید لاستیک آتش میزند. که ((نتیجه بگیریم)) کارگر را باید هرچه زودتر سوق بدیم که بیاد جلو و لاستیک آتش بزند. وظیفه طبقه کارگر ایران این نیست که فوراً بیاید خیابان و لاستیک آتش بزند. واضح است وظیفه اش اینست که ضامن جنبشی باشد که علیه جمهوری اسلامی است. کارگران صنعت نفت هم زمان شاه هیچکامشان، بعنوان کارگران صنعت نفت، کارگران پتروشیمی، کارگران فولاد به خیابان نیامدند لاستیک آتش بزنند. آنها کارخانه را گرفتند و گفتند به آفریقای جنوبی نفت نمیدهیم، به ارتش نفت نمیدهیم و فقط نفت را به مصارف مردمی میرسانیم و نشان دادند پشتوانه حرکت توده ای در خیابان هم هستند.

### فقر و ناامنی، محافظه کاری

فقر و ناامنی کارگر را محافظه کار میکند. کارگران در زمان شاه نمیتوانستند اعتصاب بکنند برای اینکه نسبتاً وضع اقتصادی و رفاهیشان خوب بود. یعنی اینکه نمیتوانست بگوید من میتوانم دو ماه این جیب و آن جیب بکنم و یک کاری بکنم که اعتصاب را ادامه بدهم. اما الان انتظار یک اعتصاب سه هفته ای از کارگری که حقوق همین امروزش را هم ندارد اشتباه است و این شدت کارگران را محافظه کار میکند. در نتیجه وظیفه جنبش کمونیستی اینست که نسبت به این پدیده استراتژی روشنی داشته باشد. چطوری جنبش کارگری فعلی میتواند از این موقعیت دریابد و برود به یک جایی که معترض است، اعتصابی است، و دخالت میکند؟ کلید این مساله بنظر من یکیش جنبش مجمع عمومی است.

### جنبش مجامع عمومی

ببینید، اتفاقاً کارگر بطور تکی شدت

منزوی و ضعیف است. قدرت کارگر در تجمعش است، در تصمیم جمعی اش است، در خاصیت طبقاتی اش است. قدرت عضو کانون نویسندگان به جمعی اش نیست، به قلمش است. قدرت دانشگاه لزوماً به تصمیم جمعی اش نیست. ولی قدرت طبقه کارگر در تجمع و اتحادش است و مجمع عمومی آن ظرفیتش که بدون اینکه ساختنش پیچیدگی عجیبی بخواهد، بدون اینکه لازم باشد دکترای سازماندهی کارگری بگیرد، می توانی همه را در صحن کارخانه جمع کنی و بگی این مجمع عمومی کارخانه است و هر چه کارگران بگویند حرف آخر ماست. کسی را هم نمیتوانی تکی گیر بیاری تهدید کنی، اینها همه با هم تصمیم گرفتند. کی را میخواستی بزنی؟ کی را میخواستی بگیرد؟ کارفرما باید بیاید توضیح بدهد، سپاه باید از اینجا بیرون برود، ما اینجا تصمیم گرفتیم، همه کارگران بودند و تصمیم گرفتند. قدرت معجزه آسای مجمع عمومی که در همه جنبش کارگری جهان نقش دارد و پایه جنبش شورانگیز است، اینست که کارگران منفردی را که تک تک در یک موقعیت محقور نسبت به سرمایه دار و کارفرما قرار دارند، میآورد یک جایی که قدرتشان را لمس میکنند، قدرت خودشان را نشانشان میدهد. در نتیجه جنبش مجمع عمومی کلیدی است. اما فرق هست بین جنبش مجمع عمومی با مجمع عمومی، که مثلاً ما مزد میخواستیم پس مجمع عمومی تشکیل میدهیم. از جنبش مجمع عمومی تشکیل یک چیز دیگر است. اینکه یک عده راه میافتند با این هدف که مجمع عمومی سر هر چیز تشکیل بشود و ارتباط پیدا کند. جنبش مجمع عمومی چیزست مثل جنبش کمیته های کارخانه. اگر الان هیچی راجع به خواست های جنبش کمیته های کارخانه در اوانل انقلاب بلشویکی نمانیم، ولی میبایم که همه جا سبز شدند و همه جا در کار دولت فزولی میکردند و همه جا کنترل را بدست گرفتند. جنبش مجمع عمومی مستقل از خواست مورد بحثی را ما اینجا در موردش صحبت میکنیم. خود مجمع عمومی بمشابه یک هدف. یک عده کارگر آگاه کمونیست جمع شوند و تصمیم بگیرند هر که در شهر خودش و واحد خودش، اگر شلوع شد فوراً مجمع عمومی تشکیل دهند و تشییت این در ذهن کارگر که مجمع عمومی را تا خبری شد باید تشکیل داد و این مجمع عمومی است که میتواند قطعنامه بدهد، میتواند نماینده انتخاب کند، میتواند تصمیم بگیرد اعتصاب بکند یا نه. بجای اینکه کمیته های کوچک سه چهار نفره باشد، جمعهای که دولت میتواند شناسائی کند و بزند، مقهور کند، و به سازش بکشاند. در نتیجه جنبش مجمع عمومی یک رکن اساسی کار ماست.

### در باره ((کارگر گرای))

یک صحبت کوتاهی هم بکنم راجع به کارگر و مساله جنبش های دیگری که الان شلوع میکنند. بنظر من اگر کارگر کمونیست باشد و اگر علیه جمهوری اسلامی باشد، الان شدت از جلال

دانشجوها با دولت خوشحال است، شدت از کتک کاری دگراندیشان با انصار حزب الله در خیابان خوشحال است. کارگر بودن بمعنی پشت کردن و بایکوت کردن بقیه جامعه نیست. این تصور جریانات کارگر کارگریست است که همیشه نگاه کنی مبینی یک روشنفکر ماژیست یک خرده آنطرفتر دارد هدایتش میکند. خلقی ترین، ملی ترین و ناسیونالیست ترین جریانات سیاسی، طرفدار جنبش های کارگریست در کارخانه هستند که فقط در کارخانه بماند، به کسی هم کاری نداشته باشد و بشود شاخه کارگری حکومت مصدقی ایشان! اینست قضیه. کارگر باید بخواهد روی اقتشار دیگر تاثیر بگذارد، بخواهد جلو برود، به جلو سوق شان بدهد، از ترشکشان استقبال کند، و بخودش مربوط بماند. در نتیجه این کارگر گرائی نیست که کارگر بخودش بگوید تو باید بیائی به صحنه و تا تو نیامدی به صحنه این جنبشها برد نمیخورد، توجه نکن و تو دنبال کار خودت باش، دنبال مزد خودت باش، چیزی که یک عده به اسم کارگر گرائی الان دارند میگویند. این (اگرایش) چرا کارگر را میفرستد دنبال مزد؟ برای اینکه به یک عده دیگری بگوید شما در کانون نویسندگان و در جبهه دوم خرداد تکه سیاسی مساله را جلو ببرید. کسی که میگوید من کارگرم و تکه سیاسی مساله را خودم میخواستیم بپریم طبعاً نمیتواند تمایلی به بی تفاوتی کارگر نسبت به شلوعی های خرم آباد میدهیم. از جنبش مجمع عمومی تشکیل یک چیز دیگر است. وظیفه ما)) ایجاد حساسیت در کارگر نسبت به اینها است. مقابله با جریانات اکونومیستی (اکونومیست هم حتی لغت درخشانی است بنظر من)، مقابله با جریانات ناسیونالیست و لیبرالی ((است)) که میخواهند کارگر کارگر باشد. همانطور که میخواهند برای مثال زن فقط زن باشد و در سیاست شرکت نکند، یا برای مثال میخواهند دانشجو دانشجو باشد، میخواهند کارگر هم فقط کارگر باشد و دخالت در سیاست نکند. مقابله با این افراد وظیفه حزب کمونیست کارگری است.

### حزب تصرف قدرت کارگران

یک نکته دیگر، ببینید ما میگوییم حزبی هستیم که میخواستیم بطور بالفعل حزب طبقه کارگر باشیم، ولی معنی این نیست که ما صبر میکنیم تا کارگران یک روزی به خیابان بیایند و بما بگویند چکار کنیم. دیروز گفتیم، حکومت مرتجع اقلیت عقب مانده را با یکفر هم اگر بشود باید اناخت. حزب کمونیست کارگری هر وقت به نیروی خودش، نماینده چنداناش کارگر است و چنداناش خواننده ایرا است یا هر چی، هر وقت به نیروی خودش بتواند جمهوری اسلامی را ساقط کند، ساقط میکند. معنای اینرا بعد از ضربه ای که ممکن است به همت احزابی مثل ما به جمهوری اسلامی وارد بشود باید به کارگران گفت. تصرف تهران ممکن است بدون شرکت کارخانه ها انجام شود، بالاخره با نیروی ارتش کارگری هم انجام شود، احزابی سازمانش داده اند، فردای آن تصرف، فردای گرفتن آن قدرت، هر ناظری

## نامه های شما

### دختر صورتی تهران پاینده باد ایران

طی نامه ای توضیح داده اند که چرا باید گت پاینده ایران و چرا باید از پهلوی حمایت کرد. دختر صورتی عزیز امیدوارم که در شماره بعدی کل نامه شما و پاسخ های ما را چاپ کنیم. ما منتظر نوشته های دیگری هم که به ما قول دادید هستیم.

### رفیق اوستا کرمانشاه مذهب وهابیت

رفیق اوستا در نامه ای که بخش دیگر آنرا جداگانه در همین شماره پاسخ گفتیم همچنین نوشته اند: «من باید بهتون بگم که از همین الان جریانات راست دران برای ایران نقشه میکش. مثلا همین چند روز پیش یک باند در کرمانشاه دستگیر شدن که مبلغ مذهب وهابیت بودن...»

راست در ایران با هیچ علم مذهبی و بخصوص اسلامی نمی تواند به میدان بیاید. مذهب در ایران بیچاره تر از هر جای دیگری از دنیا حتی ترور است! فقط کافی است که این جمهوری اسلامی و چماق و شلاق و اعدام اش ورافتد تا ببینیم که ضلیت با مذهب در ایران چقدر وسیع تر و رادیکال است. اما نکته دیگر، حکومت مذهبی موجود در عین حال متکی بر تبعیض مذهبی است. در جمهوری سوسیالیستی ما آزادی مذهب و لامذهبی به رسمیت شناخته میشود. ما البته تمام امکانات دولتی و سیاسی و امتیازهای اجتماعی مذهب را خواهیم گرفت و مذهب فقط باید به آن چیزی که ادعا میکند، یعنی وجدان مومنان پناه ببرد. آنگاه خواهیم دید که مذهب واقعا چیزی در چنته ندارد و بتدریج و بویژه با نابودی پایه مادی مذهب، یعنی همین بردگی مزدی و نا امنی زندگی انسانها، بسرعت و برای همیشه به تاریخ خواهد پیوست. جمهوری اسلامی با بکیر و ببند کسانی که به خرافه دیگری جز «دین رسمی» اعتقاد دارند، در واقع دارد به بقای مذهب کمک میکند.

### مزدک از ایران طبع شرفیم گل کوردا

«سلام رفقا، مدتی بحث های بسیار مفید در مورد مذهب و دین رو که به ابتکار رفیق امید (در گروه جوانان کمونیست) راه اندازی شده تعقیب می کنم و لذت می برم. شرقی بودن گل کرد و چند بیتی نوشتم، منظوم خلاصه ای از بودن و شدن است.

چند روزی به غلط ره به خطا طی کردم — خود خدا ساختم آنگه، چه عبادت کردم \* ریش و سجاده و تسیبج به دور افکندم — دفتر و دستک صد قال به آب افکندم \* جامه زهد که تن پوش ریایی نیست — بر در مسجد و آن تکیه به خاک افکندم \* خوش بود خلوت دوشین من و دختر

رز — که به شکرانه او خرقة خود سوزاندم \* ز ولی (و) ز فقیه (و) ز خدا باکم نیست — چون که مرتدم و من بال و پری بگشودم \* چو بود حکمت منصور سراج ره ما — سهل باشد زیر و زیر دغل بر کنن...»

### کامران حیدری در باره لیبرالیسم

«سلام رفیق امیدوارم که حالت خوب باشه. من احتیاج به یه سری منابع دارم در مورد اثر کناری لیبرالیسم بر سرمایه داری و نقلهایی بر لیبرالیسم. پیروز باشی»

کامران عزیز، اگر منظورتان نقد مارکسیسم بر لیبرالیسم باشد تا آنجا که من میفهمم مارکسیسم در همه جا دارد لیبرالیسم را بعنوان ایندولوژی اصیل بورژوازی نقد میکند. یک منبع خوب برای شروع به نظر من «در باره مساله یهود» اثر مارکس است. در آنجا مارکس به ایده های اصلی لیبرالیسم در مورد آزادی های سیاسی میپردازد و ضمن بحث دیگری (مساله یهود) بیانیه حقوق شهروندان انقلاب فرانسه که یکی از اجاد بیانیه حقوق بشر امروز است را نقد میکند. خود مانیفست کمونیست سراسر نقدی بر ایده های لیبرالی است. چه در زمینه آزادی و فرد، چه در زمینه مالکیت و مناسبات اقتصادی، چه در زمینه دولت و مبارزه طبقاتی. یا مثلا دولت و انقلاب لنین، به توهمات و تئوریهای لیبرالی در مورد دولت و دموکراسی میپردازد. در این زمینه یعنی دموکراسی و آزادی از نقطه نظر بورژوازی و لیبرالی «دموکراسی تعابیر و واقعیت ها» اثر حکمت خیلی روشن و راهگشا است. امیدوارم این نکات کمکی باشد.

### مهران عظیمی تهران مقاله در نقد ناسیونالیسم

مهران عزیز مقاله شما در نقد ناسیونالیسم در آخرین لحظات رسید. در یک نگاه سریع به نظر خوب و قابل چاپ آمد. امیدواریم که بتوانیم در شماره بعد استفاده کنیم. متشکر.

### اسد حکمت شرایط افول جنبش

«با سلام، مصطفی عزیز... یک سوال: به نظرت در زمان افول جنبش سرنگونی طلبی وظیفه ما چیست؟ کمی بیشتر توضیح دهم: انسان چنین مواقعی هیچ چشم اندازی برای بهبودی اوضاع نمی بیند و تاریکی و سرکوب محض حکمفرما است. در چنین شرایطی چه گونه میتوان بر اوضاع مسلط شد؟ چطور میتوان چنین فضایی را در هم شکست؟ بطور مثال جامعه عراق را در نظر بگیر. به نظر من شانس قدرت گیری حزب کمونیست کارگری در عراق بسیار کم است. آیا ما میتوانیم در چنین اوضاعی حرف از قدرت گیری کمونیست ها بزنیم؟ و اگر بخواهیم هم ساکت باشیم که ارتجاع همه چیز را نابود میکند؟ تکلیف چیست؟...»

اسد عزیز، در مورد عراق امیدوارم در یکی از شماره های آینده با رفقای صاحب نظر حزب مصاحبه ای داشته

باشیم. بهر حال، در آنجا بر خلاف اوضاع ایران، ما با یک وضعیت حضور فعال مردم در صحنه سیاست روبرو نیستیم. البته نمی شود اینرا شرایط افول جنبش سرنگونی هم گفت. بلکه یک شرایط سناریو سیاهی است. این کار را برای کمونیستها هر پیشرفت مدنیت دشوار میکند. هرچند علیرغم این حزب کمونیست کارگری عراق در همین شرایط وحشتناک پیشرفت های قابل ملاحظه ای داشته است. به اعتقاد من پیروزی کمونیسم کارگری در ایران بر اوضاع عراق تاثیر بلاصلی خواهد داشت. همچنانکه تا هم اکنون نیز حضور حزب کمونیست کارگری در ایران تاثیر تعیین کننده ای در سرنوشت کمونیسم در عراق داشته است. (و بالعکس، پیشروی های اخیر حزب کمونیست کارگری عراق، ما را تقویت کرده است.) با توجه به اینکه آمریکا و غرب در اوضاع عراق شیدینا درمانده اند، دنیا را چه دیدی شاید کمونیسم کارگری نه فقط در ایران بلکه در منطقه به مثابه یک آلترناتیو برای نجات مردم از این جهنم ایران و عراق قد علم کند. این البته کار هرکولی می طلبد اما غیر ممکن نیست. به نظر من «تکلیف» گام برداشتن به سمت این چشم انداز است.

در دوره افول باید به نظر من با کمترین تلفات، با حفظ بیشترین دست آوردها بطور منظم عقب نشست و برای دوره بعدی آماده شد. ولی اوضاع افول جنبش سرنگونی در ایران در شرایط حاضر اصلا در چشم انداز نیست. فعلا که دوره اعتلاء است و باید از این عقب نماند!

### آرش سرخ تهران در ۱۶ آذر چه کنیم؟

آرش عزیز یک نامه مفصل نوشته اند و بحث های جالبی در مورد شاملو، جنیفر لویز، مادونا، چه گوارا، حزب کمونیست کارگری و در نقد نظرات من مطرح کرده اند. آرش جان نامه ات جواب مفصل میخواهد و امیدوارم که در یکی از شماره های آتی مفصل به آن بپردازیم. ولی در مورد ۱۶ آذر گفته بودی که عدد زیادی را میشناسی که آماده اند کاری بکنند و میخواهی بدانی که دقیقا چه باید کرد. این تکه را اجازه بده به بهرام مدرسی دبیر سازمان جوانان کمونیست واگذار کنیم. نامه خواندنی ات را برای او هم میفرستم و در مورد ۱۶ آذر با تو تماس خواهد گرفت. در مورد تلویزیون کانال جدید هم مثل تو آرزوی تک تک ما این است که «آن ۳۰ هزار پوند لعنتی» که البته طبق آخرین اطلاع دقیقا ۴۵۲۵۰ پوند است، جمع شود تا «کانال جدید» راه بیفتد. همینجا از خوانندگان جوانان کمونیست میخواهم برای تلویزیون کانال جدید پول جمع کنند. میدانم که خوانندگان ما مثل خودمان پول ندارند. ولی اگر کسی مثل تو آرش عزیز نفری ۱۰ پوند از دور و بری ها جمع کند (که میشود ۱۰۰۰ پوند!) خودش یک کمک جنی است.

### محمد محمدی ترکیه در جواب ملای سقزی

محمد عزیز! نوشته شیرین شما از ماجرای کم کردن روی ملای ده در مراسم بزرگداشت یکی از کارگران کمونیست سقز به دستمان رسید. امیدواریم که در شماره های آینده چاپ کنیم. خیلی ممنون و بازهم از این کارها را بکنید.

### کیوان فضلی ایران در نقد طنز

کیوان عزیز نوشته شما در مورد طنز رسید که امیدواریم بزودی آنرا چاپ کنیم و به ملاحظات شما مشروحا بپردازیم. از توجه و زحماتتان تشکر میکنیم.

### فرزان دانش تشکر

«از اینکه سوالم را پاسخ گفتید (شماره قبل) بی نهایت تشکر میکنم و برای تکمیل جواب هم به شماره ۱۰۰ نشریه مراجعه خواهم کرد. با امید پیروزی.»

### آناهیتا از ایران خدا منو دوست نداشت!

«من متولد سال ۶۰ و لیسانس هستم. نماز و روزه و مجلس مذهبی را اهمیت نمی دهم زیرا در ۹ سالگی فکر میکردم خدا منو دوست ندارد پس منم اونو دوست ندارم. البته هر چه بزرگتر شدم این احساس من بیشتر شد. دیدن صحنه های استثمار موجب شد تا من بگم این فاصله طبقاتی را مذهب ساخته تا سرمایه داری از مردم استفاده کند...»

### هژیر سعیدی ترکیه بابک خوب است!

بابک شدیدی که از او چند مطلب داشتیم در جریان تحصن اخیر پناهندگان در ترکیه توسط پلیس این کشور دستگیر شد. در این رابطه از هژیر سعیدی مسئول فدراسیون پناهندگان ایرانی در ترکیه پرسیدم و ایشان جواب دادند: «بابک خوب است. قبولی پناهندگی گرفته و ولی هنوز در بازداشت است. تلاش ما برای آزدایش ادامه دارد. فدراسیون و حزب هر دو در تلاش اند.» ما امیدواریم بابک که با تلاشهای فدراسیون و حزب و پناهندگان از خطر دیپورت جسته، هرچه زودتر آزاد شود.

### جمال صابری از زندان مینوسیم

دوست عزیز ما که قبلا با نام امین از ژاپن برایمان نامه مینوشت، اینبار طی نامه ای به بهرام مدرسی، خبر داده اند که اداره مهاجرت ژاپن او را دستگیر کرده است. این بازداشت خلاف انتظار بوده است. دوست عزیز ما امین (جمال صابری) از فدراسیون پناهندگان ایرانی و حزب کمونیست کارگری تقاضا کرده است تا برای او تأییدیه بفرستند. ما امیدواریم که جمال هرچه زودتر آزاد شود.

### این کلاهبرداری است از صفحه ۶

میتواند ببیند کارگر تو آن جامعه چه جایگاهی در رابطه با قدرت دارد و چقدر قدرت به کارگر مربوط است و چقدر کارگر مدافع حکومت است، و چقدر حکومت پایه اش روی در میدان ماندن کارگر است. این تصور که کمونیستها نمیتواند بروند برای قدرت تا وقتی کارگران قبلا سیاسی شده باشند و تا جامعه را با شعار مرگ بر جمهوری اسلامی فلج کرده باشند، اشتباه است. این نه فقط اشتباه است، کلاهبرداری است. یک کلاهبرداری قدیمی میلیون است. این کلاهبرداری قدیمی لیبرالهاست که همیشه خواستند کمونیست را دنبال خود سیاه بفرستند و هفتاد هشتاد سال هم موفق شدند. این حزب کمونیست کارگری اگر نماینده چیزی باشد نماینده اینست که کمونیستهای هستند که کلا سرشان نمبرود، یا نمیخواهند بگذارند کلا سرشان برود. در نتیجه با همه توجهی که به جنبش طبقه و قدرت سیاسی میکنیم، بخش واقعی از جنبش طبقه کارگر جنبش کمونیستی است. و اینکه این جنبش چه میکند تاثیر دارد بر اینکه طبقه بطور عموم چه میکند. تاثیر دارد و حزب کمونیست کارگری باید در این یکسال آینده که همه چیز داره تعیین میشود، استراتژی خودش را برای قدرت داشته باشد. و واضح است که هیچ حکومتی را نمیشود باکم کمونیست گرفت و نگه داشت بدون اینکه کارگران آمد باشند و این حکومت را مال خودشان کرده باشند. (کف زدن ممتد حضار)

### جنگش کارگری... از صفحه ۵

سوسیالیست وجود دارد. مهمتر این است که چنان کارگر مذهبی و اسیر خرافات معمولا تاثیر و بردی در بین رفقایش ندارد و چیزی را در رابطه با جنبش کارگری نمایندگی نمی کند. برعکس رهبران عملی کارگری که اعتماد بقیه را با خود دارند معمولا کمونیست اند و همان خواص کارگر رادیکال و سوسیالیستی را دارند که اشاره کردیم.

در رابطه با سوال اسد عزیز نیز باز باید تاکید کرد که منصور حکمت برست بین گرفتن قدرت و حفظ و بسط آن تمایز قائل میشود. کمونیسم کارگری نمی تواند و نباید برای گرفتن قدرت منتظر متشکل شدن کل طبقه کارگر بشود. چنین چیزی عملا قدرت گیری را موقوف به محال میکند. قضیه درست بر عکس است. برای متشکل شدن کل طبقه کارگر و شرکت در تعیین سرنوشت خود و جامعه، کمونیسم کارگری با هر قدرتی که دارد باید در جلال سیاسی شرکت کند و هرگاه که بتواند باید قدرت را بگیرد. تنها آن جریانی که خود را نماینده کارگر، افق و چشم انداز انسانی و رهایی بخش او میدانند، یعنی همان نکته ای که در ابتدا اشاره

## گیتار و چاقو، کمونیستها توبه کنند!

## لینک

علی فرهنگ

دنیای بهتر

http://josef1.persianblog.com

اگر دنیا دست من بود



اگر دنیا دست من بود و وحشت گرسنگی و بیکاری و بی پولی میگذاشت، میرفتم و همان کاری را میکردم که دلم میخواهد. میرفتم و با شعرهایم و میرفتم و زیباترین وزن برایشان میساختم و قشنگترین آهنگ را در هجاهاشان میدمیدم. حس عجیبی دارم. انگار دارند قلبم را از ریشه درمیآورند و شکنجه ام میکنند. باورم نمیشود ولی حقیقت دارد. انسانی نیست ولی توسط افیون اسلام نه فقط انسانی بلکه فرزندش کرده اند. اگر این دنیا دست من بود «نبی» دخترش را نمی کشت و من هم به جای این سطرهای غم انگیز زیباترین شعر را میسرودم و شاید آنوقت نبی به جای گرفتن دسته چاقو گیتاری در دستش بود و با من مینواخت و زیبا دختر ۱۲ ساله اش هم با همین آهنگ پدر میرقصید و پرند وار شیرینترین احساسات هم سفرش میکرد. ولی حیف که چنین نیست و من باید شعر و ترم را بنویسم و ایشان باید سر دخترش بریده و در کیسه بیاننازد و آدمکشان اسلامی برایش پایکوبی کنند و ایشان را ستایش کنند به خاطر پاک کردن ناموس طبق دین مسین اسلام.

به همان اندازه که من درد را حس میکنم و به همان اندازه که مرگ را میبینم به همان اندازه هم رسیبم به دنیایی بهتر را حس میکنم، میبینم، درک میکنم. اگر نبی من را میشناخت حالا چاقو در دست نداشت بلکه میرفتم کلاس گیتار. اگر دختر ۱۲ ساله اش در فضایی غیر مذهبی بدینا میامد حال دیگر در قید حیات و شاید با عروسکهای زیبایش بازی میکرد و سعی میکرد مثل مادونا برقصد. ملت

aaab

http://aaab.blogspot.com

استبداد دینی این خوبی رو داره که باعث میشه آدم قنر ساده ترین و پیش پا افتاده ترین حقوق خودش رو هم بدونه.

\*\*\*\*

برهنگی زیباست، برهنگی رفتار، افکار، گفتار و بدن.

\*\*\*\*

«خا» خارج از «دین» معنا نداره.

اتاق بی حریم

//shaaparak.persianblog.com

http:

دیلم سند تحمل ۴ سال شکنجه توی دیرستانی بود که من امش رو گذاشتم مدرسه عقب افتاده گان فرهنگی و لیسانسم هم سند خربت و حماقت بی حلیست که ۴ سال زحمت کشیدم تا تونستم ثبتش کنم.

امروز بر حسب اجبار رفته همون

دیرستانی که توش درس خوندم. برای همین که میبینی حالم بد شده... خیلی بد...

من از اون سالا و از اون مدرسه و آدماش متنفرم. از اون آدم یا آدمای بی نهایت احمقی هم که تصمیم گرفتن بچه ها رو توی مدرسه های جناکونه با اسمای مضحک و مزخرف دسته بندی کنند متنفرترم.

المنجلاب

www.almanjab.persianblog.com

http://

دروس تئوری

یکی از اهداف ایجاد این وبلاگ برای آن است که نشان دهیم چقدر حکومت اسلامی خوب است. این دفعه مقایساتی با حکومت مورد نظر حزب کمونیست کارگری انجام میدهم تا حقانیت خود را به ثبوت برسانیم!

۱- در حکومت کمونیستی بساط شغل های مهمی مانند تکنی گری و گلابی برچیده میشود و معلوم نیست که مسلمین چگونه باید انفاق کنند، خمس، زکات، صدقه و فطره و ... بدهند! در حکومت اسلامی برای حفظ کبان و عظمت اسلام وجود فقر و نابرابری اجتماعی بسیار مهم است.

برنامه اقتصادی کمونیستها کامل نیست ما کتاب کاپیتال را ورق زدیم و در آن یک کلمه در رابطه با برنامه اقتصادی برای روضه خوانان، پای منبرها، گاهای شب جمعه قبرستانها ندیدیم! پیشنهاد میکنم که کارل مارکس در چاپ بعنی تجدیدنظر کند تا اینقدر کتابش مشکل فهم نباشد. بهتر است شهید مطهری را مطالعه کند تا نویسنده ای توانا شود.

۲- از اهداف حزب کمونیست کارگری برابری و آزادی بی قید و شرط است که ما اصلا نیازی بدان نداریم. چون در همین حکومت اسلامی آن را داریم! بحمدالله در این ۲۵ سال آفتاب انباشته ایم که میتوانیم بر هر خلاقی سروش نهیم و بخوند و قاضی را بخیریم تا از ما حمایت کنند! دیگر چه میخواهیم!؟

۳- روی پیشانی ما جای یک مهر بزرگ نماز است که برای ایجاد آن خیلی زجر و زحمت کشیده ایم چون سالها کله ما را هنگام نماز به مهر

فشار داده ایم تا علامت ملکوتی ایجاد شود. بواسطه همین علامت خیلی مقرب و عزیز حضرات هستیم اما بعید میدانم در حکومت کمونیستی محلی به این نوع علامت بگذارند!

۴- در حکومت کمونیستی زن با مرد برابرنه. (شرم آور است). داشتن چند ضعیفه و صیغه جرم است. (غیرقابل تحمل است)... الحمدالله حکومت کمونیستی تشکیل نشده است و در حکومت اسلامی بسر میبریم.

۵- در حکومت کمونیستی انواع تفریحات مانند کلوپ های شبانه، کازینو، دانسینگ و خانه های آنچنانی! که ما هر بار در سفرهای خارجی میلیون میلیون در آنجاها خرج کرده ایم، آزاد می شود که اصلا خوب نیست چون فساد می آورد! اما در حکومت اسلامی تفریحات بس جالبتری مانند دار زدن و سنگسار در ملا عام به اجرا در میاید که برای سایرین عبرت آموز نیز میتواند باشد!

۶- برای امروز کافیتست. از عموم کمونیستها دعوت به توبه میکنم. الان فرصت خوبی است چون در ماه مبارک رمضان هستیم. ای کمونیستها پیش بسوی اسلام بشتابید!!!

از صفحه ۷

## جشن کارگری...

کردیم، با چنین اعتماد به نفسی میتوانند ظاهر شوند. و این دیگر تنوری و نظریه نیست. عروج و پیشروی حزب کمونیست کارگری در صحنه سیاست و محبوبیت روز افزون او در کل جامعه و در بین کارگران خود اثبات نظریه ای است که حکمت مطرح کرد. شخصا فکر میکنم که حتی نسبت به دو سه سال پیش که سخنرانی «آیا کمونیسم در ایران پیروز میشود» صورت گرفت، فاکتور حزب از هر لحاظ تعیین کننده تر شده است. اکنون قدرت سیاسی و اجتماعی و نفوذ کلام حزب یک عامل تعیین کننده برای وحدت نظر و وحدت عمل رهبران کارگری و یک فاکتور جدی برای پاکبندی تشکل های کارگری، مشخصا جنبش مجامع عمومی و شوراهای، نیز هست.

## تلویزیون انترناسیونال

یکشنبه ها و جمعه  
۵:۳۰ تا ۶:۳۰ عصر  
به وقت تهران  
ماهواره کانال یک

برنامه های تلویزیون انترناسیونال در اروپا و آمریکای شمالی هم پخش میشود. این برنامه ها از طریق سایت روزنه نیز قابل دسترسی خواهند بود.

میل: wpi\_tv@yahoo.com

تلفن ۳۷ ۲۲ ۵۹۰ ۷۸۱ ۰۰۴۴

فکس ۱۷۳۳ ۲۱۲ ۵۰۳ ۰۰۱

## طول موج جدید

## رادیو انترناسیونال

رادیو انترناسیونال هرروز ساعت ۹ شب به وقت تهران به مدت نیم ساعت روی طول موج ۲۱ متر برابر با ۱۳۸۸۰ کیلو هرتز پخش خواهد شد. روزهای پنجشنبه و شنبه مدت برنامه های رادیو از ساعت ۹ تا ۹ و ۴۵ دقیقه خواهد بود.

## برنامه رادیویی سازمان

## جوانان کمونیست

شنبه ها ۹:۱۵ تا ۹:۳۰

طول موج جدید رادیو انترناسیونال را به اطلاع همه دوستان و آشنایان خود برسانید.  
Payamgir radio:  
+46 8 659 07 55  
Tel: +44 771 461 1099  
& +46 70 765 63 62  
Fax: +44 870 129 68 58  
radio7520@yahoo.com  
www.radio-international.org

## تلفنهای تماس با دبیران سازمان جوانان کمونیست:

0045 51 80 26 10

0031-613248331

0049 1632693033

0046 70 678 1198

001 604 730 5566

0044 77 61 10 6683

00905552048603

0046 70 48 68 647

0049 174 944 02 01

fax:001 781 735 8359

bahram-modarresi@web.de

دانمارک: شیوا فرهمند  
هلند: مجید پسنچی  
آلمان: نبز احمد زاده  
سوئد: حامد خلکی  
کانادا: سامان احمدی  
انگلاستان: فرشاد پویا  
ترکیه: دبیر تشکیلات خارج: مریم طاهری  
دبیر کمیته مرکزی: بهرام مدرسی  
مشاور دبیر: ثریا شهابی

آدرس پستی: Jawanan

Postfach 620 515

10795 Berlin

Germany

## به سازمان جوانان کمونیست پیوندید!

## جوانان کمونیست

نشریه سازمان جوانان  
حزب کمونیست کارگری ایران

mosaber@yahoo.com

مصطفی صابر

Tel: 001 604 730 5566

www.jawanan.org

www.m-hekmat.com

www.rowzane.com

www.hambastegi.org

www.medusa2000.com

www.wpiran.org

www.childrenfirstinternational.org

از این سایت ها دیدن کنید: